

درس پنجم پایه هشتم PDF خوان



اسوین به زبان کوکی به معنی اشک است و اسم تو چیست؟

اسم زیبایی است معناش چیست؟

- **اسمی آیلار.**

اسم ایلار است

معنی است چیست؟

- **آیلار بالشُرکَيَّةِ يَمْعَنِي الْأَفْحَارِ.**

ایلار به زبان ترکی به معنی ماده ها است

اسم خان زیبایی است و معناش هم زیبات

- **منْ أَيْ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟**

من اهل سنجق منم ایا تو اهل تهران هستی؟

- **أَنَا مِنْ سَنْدَجٍ أَنْتَ مِنْ طَهْرَانٍ؟**

ایلار به زبان ترکی به معنی ماده ها است

- **لَا أَنَا مِنْ تَبَرِيزٍ وَسَاكِنَةُ هُنَا.**

نه اهل تبریز هستم و اینجا ساکن هست

- **لِمَذَا جَسَّنْتَ إِلَى طَهْرَانٍ؟**

برای چه به تهران آمدید؟

- **كُمْ سَنَةٌ مُهِمَّةٌ وَالِدِيكِ؟**

پدر چند سال در مأموریت هست؟

- **سَنَتَيْنِ.**

دو سال

۵۲

@darsnamearabi

۱۰ / ۳

طرح: حمیدرضا ابراهی دبیر عربی ناحیه یک اردبیل



- **فِي سَاحَةِ خُرَاسَانِ.**

در میدان خراسان

- **أَتَصْدِقِينِ؟!**

ای راست من کوئی؟

- **جَنَّا قَبْلَ شَهْرِ.**

ما پیش اندیدم

- **فَكَيْفَ مَا رَأَيْتُكِ حَتَّى الآنِ؟**

و بظور تا حالا تو را ندیدم؟

- **هُوَ مُهَنْدِسٌ.**

او مهندس است

- **يَكُلُ شَرُورِ.**

با کمال میل

- **يَعْدُمَا يَسْمَعُ لِي وَالِدِي وَ تَقْبَلُ وَالِدَتِي.**

بعداز اینکه پدرم به من اجازه من دهد و مادرم قبول من کند

- **إِنْ شَاءَ اللَّهُ سَأْسَأْلُهُمَا.**

اگر خدا بخواهد از انها خواهم برسید

- **أَيْنَ بَيْتُكُمْ؟**

خانه تان کجاست؟

- **عَجَبًا! بَيْتُنَا فِي نَفْسِ الْمَكَانِ.**

عجب؛ خانه ما در همان مکان است

- **نَعَمْ؛ بِالثَّاكِيدِ؛ مَعْنِي جِئْنَمْ؟**

بله، البته؛ چه وقت اندید؟

- **فَتَحَنْ جَارِتَانِ وَ زَمِيلَاتِنِ.**

بس ما دو همسایه و دو هم کلاس هستیم

- **عَجِيبٌ. مَا مهَنَّةُ أَبِيكِ؟**

عجب است. شغل پدرت چیست؟

- **هَلْ ثَائِنِي إِلَى بَيْتِنَا؟**

ایا به خانه ما من ایم؟

- **مَتَنِ؟**

کی؟

- **وَ هَلْ يَأْتِي أَبُوكِ؟ وَ هَلْ تَأْتِي أُمُّكِ؟**

و ایا پدرت من اید؟ و ایا مادرت من اید؟

الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ. الْإِمامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

غريب کس است که برای او هیچ دوست نیست

@darsnamearabi

۵۴

۱۰ / ۴

درس پنجم پایه هشتم خوان PDF

طراح حسیرضا ابراهی میر عربی ناچه بک اردبل

الدُّرْسُ الْخَامِسُ

درست پنجم
عدد ترسیس

واژه نامه جمع مذكر جار : همسایه «جمع: جیران» ثُرِبٌ إِيْثَرِبٌ : نوшибدا من نوشید ظَلَمٌ إِيْظَلَمٌ : ستم کرداسته مع مذكر ساخته : حیاط، میدان ثُرِبٌ إِيْثَرِبٌ : آمد من آمد ظَلَمٌ إِيْظَلَمٌ : آسیمه مع مذكر من کند عَصَافِيرٌ كَعَصَافِيرًا : لکھنکها فَتْنَةٌ فَتْنَارٌ : چ و قت قَاتِلٌ قَاتِلٌ : چ راه ذَمَّةٌ ذَمَّةٌ : همان، خود ذَمَّةٌ إِدَارِيَّةٌ : مأموریت اداری ذَمَّةٌ شَاكِرِيَّةٌ : هم شاکردي	واژه نامه جمع مذكر أَبْصَارٌ : دیدگان «فرد: بصر» جَلْسَمٌ : آمدید ← جاه: آمد جَلْسَمٌ : نوشیدا من نوشید إِحْدَى : یکی از أَعْلَمٌ : داناترین، داناتر خَرْبَنَاتٌ خَرْبَنَارٌ : نگهداری کردا نَكْهَانِيَّةٌ نَكْهَانِيَّهٌ : نگهداری من کند (نگهبانی داد) نَكْهَانِيَّهٌ نَكْهَانِيَّهٌ : نگهبانی من دهد خَرْبَنَاتٌ خَرْبَنَارٌ : کجنهنهها منفرد خَرْبَنَاتٌ خَرْبَنَارٌ : بیشکید: البته خِرَاجَةٌ خِرَاجَهٌ : پس از اینکه ذَمَّةٌ ذَمَّةٌ : ماند ذَمَّةٌ ذَمَّةٌ : با کمال میل ذَمَّةٌ ذَمَّةٌ : عدد ترسیس ذَمَّةٌ ذَمَّةٌ : سوم، سومین ذَمَّةٌ ذَمَّةٌ : هم شاکرديها
--	---

الصادقة

راسنگویی

«أُسرِين» طالبة في الصُّفَّ الثاني المُتَّوَسِّط. هي جاءت من «سنندج» إلى «طهران».
أُسرِين داشت اهتزی در کلاس دوم متوسطه او از سنج به تهران آمد.
هي طالبة جديدة في المدرسة و بقيت مدة أسبوعين وحيدة.
او داشت اهتز جدیدی در مدرسه است و مدت دو هفته تها ماند

@darsnamearabi

۵۲

۱۰ / ۲

طراح حسیرضا ابراهی میر عربی ناچه بک اردبل

في الأسبوع الثالث في يوم السبت جاءت إليها إحدى زميلاتها باسم «آيلار» و
بدأت بالجوار معها في ساحة المدرسة.
در هفته سوم در روز شنبه پیش از هم شاکردي هایش به نام آیلار آمد و
به گفت و گوییا در حیاط مدرسه شروع کرد



الجوار بين الطالبتين «آيلار» و «أُسرِين»

كفت و گوییا در هفته سوم در روز شنبه پیش از هم شاکردي هایش به نام آیلار آمد و

- الحمد لله: حميدة و كيف أنت؟

خدرا شکر، خوبم و تو چطوری؟

- إسمی أُسرِين.

براست

- كیف حالک؟

حالت چطور است؟

- أنا بخيير، ما اسمک؟

من خوب ام تو جیست؟

- إسم جميل ما معناه؟

اسم زیبا است معناش چیست؟

- إسمی آيلار.

اسم آیلار است

- معنی است چیست؟

- آیلار داشت کتابه داشت. آیلار حافظه خوبه داشت.